

خروج ریاحین، نقدی بر ضبط و شرح یک بیت از حافظ

فرزاد ضیائی حبیب‌آبادی^۱

چکیده

شد از خروج ریاحین چو آسمان روشن

زمین به اختر میمون و طالع مسعود
بجز چاپ‌های خلخالی، پژمان، و قزوینی - غنی، تقریباً همه چاپ‌های
دیگر دیوان حافظ، در بیت بالا به جای "خروج"، واژه "بروج" را ضبط کرده‌اند.
شارحان نیز اغلب به معنای واژه خروج در این بیت التفاتی نداشته‌اند. این
کم‌توجهی به لفظ "خروج" شاید به دلیل ارتباط آشکار میان نسخه بدل‌های
دیگر (بروج) با کلمات؛ آسمان، روشن، زمین، اختر، طالع، میمون و مسعود
بوده است، با این حال در این مقاله نشان خواهیم داد که "خروج" نیز با
واژه‌های مذکور ارتباط معنایی دارد و چنان که برخی شارحان پنداشته‌اند، نه
تنها غلط نیست، بلکه بر ضبط دیگر (بروج) ترجیح دارد.
کلیدواژه‌ها: حافظ، خروج ریاحین، بروج ریاحین، ضبط، شروح حافظ

مقدمه

شد از "خروج" ریاحین چو آسمان روشن زمین به اختر میمون و طالع مسعود
شصت و چند سال پیش که علامه محمد قزوینی، اساس کار خود را در تصحیح
دیوان حافظ، بر نسخه خطی مورخ ۸۲۷ ه.ق (متعلق به عبدالرحیم خلخالی) نهاد،

ziaefarzag@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۹

۱. پژوهشگر متون کهن فارسی.

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۶/۲

هنگامی که به بیت بالا رسید به تبعیت از نسخه خلخالی - که بعدها به صورت عکسی هم چاپ شد - ضبط "خروج" را در متن قرار داد و در حاشیه نوشت: «چنین است در "خ". "ق": فروغ، بعضی نسخ دیگر: بروج» (حافظ، ۱۳۷۴: ۲۱۲). هر چند پیشتر نیز خود خلخالی (در سال ۱۳۰۶) و پژمان بختیاری (در سال ۱۳۱۵) ضبط "خروج" را برگزیده بودند، اما تقریباً همه مصححان دیگر - از جمله: خانلری، نیساری، عیوضی (در هر سه چاپ)، جلالی نائینی و نورانی وصال، نذیر احمد، مسعود فرزاد، انجوی (چاپ جدید) (چاپ قدیم، "فروغ" است)، افشار، قریب، سایه و مجاهد - ضبط "بروج" را بر "خروج" ترجیح داده‌اند و وجه ترجیح همه آنان - علاوه بر ضبط اکثر نسخ - لایبند مناسبت آشکار لفظ "بروج" با "آسمان"، "زمین"، "اختر"، "میمون"، "طالع" و "مسعود" بوده است؛ چنان که فی‌المثل در حاشیه چاپ "قریب" به همین مطلب اشاره شده است (رک. حافظ، ۱۳۵۶: ۱۶۳).

نگاهی به بعضی شروح

خطیب رهبر - که شرح خود را بر اساس چاپ قزوینی - غنی ترتیب داده است - در شرح این بیت نوشته است: «خروج ریاحین: بیرون آمدن گل‌ها و گیاهان خوشبو. در نسخه بدل، "فروغ" به جای "خروج" آمده که بر متن ترجیح دارد - معنی بیت: از "فروغ" گل‌ها و گیاهان خوشبو و تأثیر ستاره فرخنده و اختر سعد، زمین چون آسمان نورانی گشت» (حافظ، ۱۳۷۵: ۲۹۸).

سودی جانب "بروج" را گرفته و نوشته است: «زمین از برج‌های ریاحین چون آسمان روشن شد با اختر میمون و طالع مسعود» (سودی، ۱۳۷۸ ج ۲: ۱۲۵۸). در کتاب "لطف سخن حافظ" از محمود رکن چنین می‌خوانیم: «آشکار است که "خروج" تصحیف "بروج" است» (رکن، ۱۳۷۵: ۲۶۹) (و ظاهراً مراد آقای رکن، "تحریف" بوده است، نه "تصحیف").

خروج ریاحین، نقدی بر ضبط و شرح یک بیت از حافظ • فرزاد ضیائی حبیب‌آبادی • صص ۱۲۶-۱۱۵ □ ۱۱۷

در کتاب "درس حافظ" نوشته محمد استعلامی ضبط "فروغ" برگزیده شده و نوشته است: «... فروغ ریاحین یعنی درخشندگی گل‌ها ... معنی بیت به زبان ساده این است که گل‌ها مثل ستاره‌های درخشان، زمین را چون آسمان روشن کرده بودند. در مصراع اول، به جای فروغ ریاحین، در حافظ تصحیح قزوینی خروج ریاحین و در تصحیح خانلری بروج ریاحین، هر دو جای حرف دارد و عجیب است که قزوینی هم "فروغ" را در یک نسخه معتبر دیده و در متن نیاورده است» (استعلامی، ۱۳۸۲ ج: ۱: ۵۹۱).

اما مفصل‌ترین شرحی که نگارنده این سطور راجع به بیت مورد بحث خوانده است، در کتاب "حافظ جاوید" نوشته هاشم جاوید است. ایشان جانب "بروج ریاحین" را گرفته و نوشته‌اند: «... یک معنی برج هم در شعر خواجه معنی نجومی آن است... حافظ در این بیت به سه آیه قرآن نظر داشته است. "وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ - حجر، آیه ۱۶" و آیه اول سوره بروج "وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ" و آیه دیگری که مخصوصاً الهام‌بخش این شعر شده است. "تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا - فرقان، آیه ۶۱» (جاوید، ۱۳۷۷: ۳۹)، آن‌گاه ترجمه آیات را آورده‌اند و سپس به باورهای نجومی قدیم در خصوص تأثیر ستارگان و برج‌ها در سرنوشت مردم اشاره کرده‌اند و با ذکر دو شاهد در مورد مطلب پیشین، به معنی بیت پرداخته‌اند: «معنی بیت "شد از بروج ریاحین" این است که از تافتن گل‌ها و درخشش آن‌ها باغ و چمن، همچون آسمان که از ستارگان نورانی است و روشن و تابناک^(۱) شده است. گل‌ها، ستارگان سعد و اختران خوش‌خبرند که با شکفتن خود مزده خوش‌سرانجامی جهان آورده‌اند و زمین از پرتو نوید آنان به امید شادی و بهروزی روشن است» (همان).

«اصطلاحات اختربینی آن زمان، یعنی "طالع مسعود" و "اختر میمون" با "بروج" و "آسمان" نشانه پیوند این شعر با ستارگان و برج‌هاست ... بروج هم، دو معنی دارد و معنی دیگر آن ظهور و بروز و خودنمایی است. عرب‌ها وقتی زنی زیبایی‌های خود را به

نمایش می‌گذاشت و جلوه‌گری می‌کرد می‌گفتند "برجت المرأة"؛ آن زن خودنمایی و جلوه‌فروشی کرد... با معنی دیگر "بروج" که ظهور و خودنمایی است، حاصل شعر این می‌شود که از جلوه‌فروشی و خودنمایی گل‌های نویدبخش بهار، خاک نیک‌بخت و زمین خوش‌فرجام همچون آسمان خندان و تابناک شد» (همان: ۴۰ تا ۴۲).

پیش از نقل باقی توضیحات جاوید، یادکرد این نکته شاید خالی از فایده‌تی نباشد که راقم این حروف، در فرهنگ‌ها "بروج" (بر وزن "خروج") را به معنی "ظهور و بروز و خودنمایی" نیافت؛ بلکه آنچه این معنی را افاده می‌کند "تَبْرُج" است، چنان که مثلاً در اساس البلاغه می‌خوانیم: «خَرَجْنَ مُتَبَرِّجَاتٍ مُتَفَرِّجَاتٍ» (الزمخشری، ۱۳۹۹: ۳۴). و در قاموس المحيط آمده است: «تَبَرَّجَتْ: أَظْهَرَتْ زِينَتَهَا لِلرِّجَالِ» (الفیروزآبادی، ۱۴۲۲: ۱۷۸). نیز در کتاب العین چنین نوشته: «وَإِذَا أَبَدَتِ الْمَرْأَةُ مُحَاسِنَ جِيدِهَا وَوَجْهَهَا، قِيلَ قَدْ تَبَرَّجَتْ» (الفرهیدی، ۱۴۲۵ ج ۱: ۱۴۶).

بیهقی در تاج المصادر "تَبْرُج" را "خویشتن برآراستن" (البیهقی، ۱۳۷۵ ج ۲: ۷۸۳) و "زوزنی" در "کتاب المصادر"، "خویشتن برآراستن زن" معنی کرده است (رک. زوزنی، ۷۹۱: ۱۷۴) و بالاخره در "لسان العرب" می‌خوانیم: «التَّبْرُجُ: اِظْهَارُ الْمَرْأَةِ، زِينَتِهَا وَ مُحَاسِنِهَا لِلرِّجَالِ. وَ تَبَرَّجَتِ الْمَرْأَةُ: أَظْهَرَتْ وَجْهَهَا» (ابن‌منظور، [بی‌تا] ج ۲: ۳۵۹). به عبارت دیگر، معنی "ظهور و خودنمایی" در صورتی از کلام خواجه استنباط می‌شد که بیت بدین صورت باشد: «شد از "تَبْرُج" ریاحین...»، پس به شرحی که گذشت، دریافت معنی اخیر (جلوه‌فروشی و خودنمایی) از بیت مزبور، ظاهراً منتفی است. باری، ادامه توضیحات جاوید در مورد "بروج" چنین است:

«با دقت بی‌مانندی که حافظ، در آوردن مضامین قرآنی دارد، کلمه "بروج" را در این بیت با "آسمان روشن" آورده است. با این نازک‌کاری، "روشن" را جایگزین و برابر کلمه "منیر" آیه ۶۱ سوره حجر کرده تا اهل اشارت را بشارتی باشد...» (جاوید، ۱۳۷۷: ۴۱). آن‌گاه به بی‌تی از دقایقی مروزی شاعر قرن ششم اشاره کرده و "بروج ریاحین" را با

خروج ریاحین، نقدی بر ضبط و شرح یک بیت از حافظ • فرزاد ضیائی حبیب آبادی • صص ۱۲۶-۱۱۵ □ ۱۱۹

"انجم نبات" یکی دانسته‌اند:

باغ آسمان دیگر و از انجم نبات طالع شده به روز و شب اشکال اخترش
حال آن که می‌دانیم "انجم نبات" با "بروج ریاحین" متفاوت است. باری، مقاله
جاوید با مقایسه شعر دقایقی مروزی و بیت حافظ پایان می‌پذیرد.
آنچه تا اینجا نقل کردیم، همگی در تأیید ضبط "بروج" بود. اما جاوید - همچون
بعضی شارحان دیگر - در ردّ ضبط "خروج" نیز سخن گفته است:

«کلمه درست مصراع اول، همین "بروج" است نه خروج که در بعضی نسخه‌های
حافظ آمده است ... بی‌گمان "خروج ریاحین" ... نشان غلط‌خوانی و غلط‌نویسی و
بی‌خبری کاتبان از شیوه سخن حافظ بوده. البته معنی دیگر "بروج" را هم نمی‌دانسته‌اند
... پس خواهی با منظوری خاص، کلمه "بروج" را با هر دو معنی ایهامی این کلمه در شعر
خود به کار برده است ... انتخاب "خروج" بر کلمه "بروج" رشته ظریف اندیشه و سخن
حافظ را با آیه‌های قرآن و مضمون‌های زیبای آن می‌گسلد و راه را بر پرواز خیال در
آسمان و ستارگان می‌بندد. شعر را هم که با این بلندی، کهکشانی درخشان از معنی و
مضمون است، از روشنی، تهی و تیره می‌کند» (همان: ۴۱-۳۹).

در این جااست که باید گفت "اثبات شیء، نفی ماعدا نمی‌کند". یعنی توضیحات
مفصلی که جاوید در مورد "بروج" داده‌اند نمی‌تواند بدین معنی باشد که ضبط "خروج"،
اشتباه است و "نشان غلط‌خوانی و غلط‌نویسی و بی‌خبری کاتبان از شیوه سخن حافظ
بوده" بلکه از قضا همه ویژگی‌هایی را که برای "بروج" برشمرده‌اند در "خروج" نیز
می‌توان یافت! بدین توضیح که واژه "خروج" (و مشتقات آن) هم "واژه‌ای قرآنی" است
و هم با "زمین" و "رویدنی‌ها" ربط دارد و هم آن را با "آسمان" و "کواکب" پیوندی است.

شرح مطلب

الف) "خروج"، واژه‌ای قرآنی

«وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ» و «وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ» "رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَ أَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ" (ق: ۱۱-۹).

در اینجا نیز شاید تعلیق این نکته بی‌فایده نباشد که: لفظ "خروج" در آیه مزبور، البته به خروج مردگان از گور اشاره دارد، اما باید توجه داشت که مفاد عبارات قبل از آن و به ویژه لفظ "کذلک" مفید این معناست که "خروج مردگان"، همچون "خروج نباتات" است؛ چنان‌که برخی مفسران بزرگ بدین نکته اشاره کرده‌اند: «کذلک الخروج: کما حییت هذه البلدة المیتة، کذلک تخرجون احياء بعد موتکم...» (الزمخشری، ۱۴۲۷: ۲۹۱). «کذلک الخروج، یعنی من القبور، همچنان که بینی که به باران زمین مرده زنده می‌کنیم و نبات از خاک برمی‌آریم. همچنین مردگان را زنده کنیم و از گورها برون آریم» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۵ ج ۱۸: ۶۰) و «کذلک تُخْرَجُونَ، و شما را همچنان از گورها برآرند که نبات از زمین» (همان، ۱۳۶۹ ج ۱۵: ۲۵۰).

این هم شواهد دیگری برای کاربرد "خروج" در قرآن:

«و شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ» (المؤمنون: ۲۰). «أَنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ» (الصافات: ۶۴). «و يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (الروم: ۱۹). «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا...» (الأعراف، ۵۸). «وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى» (الأعلى: ۴). «لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا» (النبا: ۱۵) و موارد متعدد دیگر که برای پرهیز از اطاله کلام، از ذکر آن چشم می‌پوشیم.

ب) "خروج" و "زمین"

چنان‌که در شواهد قرآنی^(۲) مزبور دیدیم "خروج" (و مشتقات آن) با "زمین و رُستنی‌ها" کاملاً در ارتباط است، اینک تتمیم فایده سخن را به ذکر چند شاهد دیگر، از

خروج ریاحین، نقدی بر ضبط و شرح یک بیت از حافظ • فرزاد ضیائی حبیب آبادی • صص ۱۲۶-۱۱۵ □ ۱۲۱

کتب لغت می‌پردازیم: در "لسان العرب" ذیل "أین" می‌خوانیم: «أَبْنُ الْأَرْضِ: نَبْتُ يَخْرُجُ فِي رُؤُوسِ الْإِكَامِ... وَهُوَ سَرِيعُ الْخُرُوجِ سَرِيعُ الْهَيْجِ» (ابن منظور، [بی‌تا] ج ۱: ۵۳). در همین کتاب، ذیل "ح ق ل" آمده است: «الْحَقْلُ: الزَّرْعُ إِذَا اسْتَجَمَعَ خُرُوجُ نَبَاتِهِ» (همان، ج ۳: ...) و از مشتقات "خروج" نیز می‌توان بدین موارد اشاره کرد: «أُسْتُخْرِجَتِ الْأَرْضُ: أُصْلِحَتِ لِلزَّرْعَةِ أَوْ الْغِرَاسَةِ... وَ عَامٌّ فِيهِ تَخْرِيجٌ: إِذَا أَنْبَتَ بَعْضُ الْمَوَاضِعِ وَ لَمْ يُنْبِتْ بَعْضٌ... وَ تَخْرِيجُ الْأَرْضِ: أَنْ يَكُونَ نَبْتُهَا فِي مَكَانٍ دُونَ مَكَانٍ، فَتَرَى بِيَاضَ الْأَرْضِ فِي خُضْرَةِ النَّبَاتِ» (همان، ج ۴: ۱۵۷).

پ) "خروج" و "آسمان"

در این بخش به ذکر شواهدی خواهیم پرداخت که نشان می‌دهد لفظ "خروج" - علاوه بر آنچه پیشتر گفتیم - با "آسمان" نیز پیوندی ناگسستنی دارد: در اساس البلاغه (ذیل "خرج") آمده است: «و خَرَجَتِ السَّمَاءُ خُرُوجًا: أَصَحَّتْ وَ انْقَشَعَ عَنْهَا الْعَيْمُ... وَ يُقَالُ لِسَحَابَةٍ إِذَا نَشَأَتْ مِنَ الْأَفْقِ أَوَّلَ مَا تَنْشَأُ: مَا أَحْسَنَ خُرُوجَهَا» (الزمخشری، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

ابن منظور نیز به همین معنی اشاره دارد: «خَرَجَتِ السَّمَاءُ خُرُوجًا: إِذَا أَصَحَّتْ بَعْدَ إِغَامَتِهَا» (ابن منظور، [بی‌تا]: ذیل خروج) همو گوید: «والتَّجْوُمُ تَخْرِجُ اللَّوْنِ فَتَلَوَّنَ بِلَوْنَيْنِ مِنْ سَوَادِهِ وَ بِيَاضِهَا، قَالَ: إِذَا اللَّيْلُ غَشَّاهَا، وَ خَرَجَ لَوْنُهُ نُجُومًا، كَأَمْثَالِ الْمَصَابِيحِ، تَخْفِقُ كَمَا هَمَّ جَوْنُهَا سَوْسُو مِي زَدْنَد، سِيَاه وَ سَبِيد شَد» (همان).

مهمترین اصل در تصحیح انتقادی

با نگاهی به نسخه بدل‌های چاپ‌های یاد شده حافظ (خانلری، عیوضی، جلالی نائینی ...) درمی‌یابیم که تنها نسخه‌ای که در بیت مورد بحث، واژه "خروج" را ضبط کرده، دستنوشته مورخ ۸۲۷ معروف به نسخه خلخالی است و باقی دستنوشته‌ها

- خواه مقدّم بر نسخه خَلْخالی و خواه مؤخر از آن - "بروج ریاحین" آورده‌اند. علّت نیز روشن است؛ اگر بخواهیم در بیان علّت از عبارات جاوید استفاده کنیم باید بگوییم: بی‌گمان "بروج ریاحین" نشانه بی‌خبری کاتبان از شیوه سخن حافظ بوده. البته معنی دیگر "خروج" را هم نمی‌دانسته‌اند! به عبارت دیگر، واژه "خروج" برای کاتبان، "ضبطی دشوار" بوده و در نتیجه، بیت مورد بحث با "خروج" برای آنان نامفهوم می‌نموده است. از سوی دیگر، چون "بروج ریاحین" - ضمن تناسبی که با "آسمان"، "زمین"، "اختر" و "طالع" دارد - در نگاه نخست برای کاتبان، مفهوم و آسان‌یاب بوده، یکی پس از دیگری همین وجه اخیر را برگزیده‌اند.

اما چنان که می‌دانیم مهمترین اصل در تصحیح انتقادی متون این است که: «ضبط دشوارتر برتر است» (فردوسی، ۱۳۶۸: بیست‌وسه). یکی از وجوه این برتری این است که ممکن است ضبط دشوار معنایی داشته باشد که نه تنها از دید معاصران ما - با گذشت قرون و اعصار - بلکه از چشم کاتبان کم‌سواد هم عصر شاعر نیز دور مانده باشد، و "خروج" یکی از همین ضبط‌های دشوار در شعر حافظ است. اما قضا را ایهام تناسب "خروج" با "نباتات" و "فلکیات" در شعر شاعران دیگر نیز به کار رفته است:

"خروج" در شعر دیگران

از اقالیم نفاذ تو توقّف را "خروج"	در "گلستان" بقای تو تباهی را زُکام (انوری، ۱۳۷۲ ج ۱: ۳۲۲)
در خُفیه گر نه عزم "خروج" است "باغ" را	چون آبگیرها همه پُر تیغ وجوشن است؟ (همان: ۸۳)
بر "فلک" چارمین عیسی موقوف را	وقت "خروج" آمده‌است، منتظر رای توست (سنایی، بی‌تا: ۸۱۰)
"فلک" ثامن است جای "بروج"	واندر او هفت را دخول و "خروج" (سنایی، ۱۳۷۷: ۶۹۹)

خروج ریاحین، نقدی بر ضبط و شرح یک بیت از حافظ • فرزاد ضیائی حبیب آبادی • صص ۱۲۶-۱۱۵ □ ۱۲۳

ور "آفتاب" جانها "خانه" نشین بدی در بند "فتح باب" و "خروج" و دخولمی
(مولوی، ۱۳۶۳ ج ۶: ۲۲۹)

منهدم از عروج او قبه قصر قیصران منهزم از "خروج" او "خسرو خطه خطا"
(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۱)

به "خروج" و "فلک" نوشتن تو به عروج و به بازگشتن تو
(اوحدی، ۱۳۷۵: ۴۸۹)

بر محیط "فلک" عروج کند وز مسام ملک "خروج" کند
(همان: ۵۲۶)

طلایه دار سپاه حبش که بود "قمر" ربود رنگ ز رویش "خروج" "شاه ختا"
(محتشم کاشانی، ۱۳۷۹: ۲۷۹)

"خروج" می کند از بیضه آتشین نفسی همیشه "باغ" به زاغ و زغن نمی ماند
(صائب، ۱۳۷۳: ج ۴: ۱۸۷۷)

این هم شواهدی از کاربرد "خروج" در شعر عرب: (۳)

يَلْوَحُ بِهَا الْمَذَلُّقُ مَذْرِيَاهُ "خروج" "النجم" من صَـلَعِ الْغِيَامِ
(ابوحیه النمیری)

تَجَلَّى لَنَا مِنْ سِجْنِهِ وَ هُوَ خَارِجٌ "خروج" "شُعَاعِ الشَّمْسِ" مِنْ جَانِبِ الدَّجَنِ
(بختری)

مِنْ كُلِّ اَبِيضٍ يُسْتَضَاءُ بِوَجْهِهِ نَظَرَ الْحَاجِجِ اِلَى "خروج" "هِلَالِ"
(جریر)

خَرَجْنَ "خروج" "الانجم" الزُّهْرِ فَالتَّقَى عَلَيْهِنَ مِنْهُنَّ الْمَلَاخَةُ وَ الشَّكْلُ
(صریع الغوانی)

خَرَجْنَ اِلَيْنَا عَلَي رِقَابِهِ "خروج" "السحاب" لِأَمْطَارِهَا
(عروة بن اذینه)

نتیجه

در خلال سطوری که گذشت، کوشیدیم بیان کنیم که انتخاب "خروج" بر کلمه "بروج" - خلاف عقیده جاوید - رشته اندیشه و سخن حافظ را با آیه‌های قرآن و مضمون‌های زیبای آن نمی‌گسلد و راه را نیز بر پرواز خیال در آسمان و ستارگان نمی‌بندد. شعر را هم - که با این بلندی، کهنکشانان درخشان از معنی و مضمون است - روشن‌تر و تابناک‌تر می‌کند.

اما همه آنچه در اثبات "خروج" گفتیم، به منزله نفی ضبط "بروج" نیست بلکه گمان راقم این حروف چنین است که با توجه به تناسب آشکاری که میان واژه‌های "زمین"، "آسمان"، "روشن"، "اختر" و "طالع" با کلمه "بروج" دیده می‌شود، خواجه در مرحله نخست همین کلمه اخیر (بروج) را در نظر آورده ولی در بازبینی‌های بعدی - چنان که شیوه او بوده است - به مدد دانش وسیع و عمیق خویش دست به آفرینش هنری دیگری زده و لفظ "خروج" را برگزیده است. بدین ترتیب، اولاً "خروج" با کلمات دیگر بیت رابطه‌ای نهانی دارد و ثانیاً کوچکترین خللی در لفظ و معنای شعر وارد نمی‌کند و این است هنر خواجه؛ وگرنه همراه کردن "بروج" با الفاظ "زمین"، "آسمان"، "روشن"، "اختر" و "طالع"، از شاعرکی خامل ذکر یا ناظمی صنعت باز هم ساخته بوده است!

خروج ریاحین، نقدی بر ضبط و شرح یک بیت از حافظ • فرزاد ضیائی حبیب‌آبادی • صص ۱۲۶-۱۱۵ □ ۱۲۵

پی‌نوشت‌ها

۱. ظاهراً "و" (قبل از "روشن و تابناک") زائد و از اغلاط مطبعی است.
 ۲. برای دیدن موارد دیگر "خروج" و مشتقات آن در قرآن، رک. المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، ذیل "خ رج".
 ۳. همه اشعار این قسمت از لوح فشرده "الموسوعة الشعرية، اصدار ۳، المجمع الثقافي، امارات متحده عربی، ۲۰۰۳-۱۹۹۷" استخراج شده است.
- ※ اشاره ۱. ناسیاسی است اگر این مقاله را بی یادکردی از راهنمایی‌های پراح استاد دانشمند جناب آقای دکتر جمشید مظاهری (سروشیار) به پایان برم، خداهش در همه حال از بلا نگه دارد!
- ※ اشاره ۲. این مقاله پیشتر در مجله "نامه فرهنگستان" (دوره دهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۳۹، پاییز ۱۳۸۷، صص ۶۹-۷۵)، چاپ شد. متأسفانه آن مجله گرامی طی فرآیند "ویراستاری"، مقاله مخلص را از هیأتی که نوشته بودم به وجهی که خود می‌خواست تغییر داد و آن را بدون اطلاع نگارنده از آنچه بر سر مقاله رفته بود، پس از تعویق بسیار از چاپ برآورد. اکنون مقاله "خروج ریاحین" را بدان‌گونه که خود نوشته بودم با هیأتی نوتر و پژوهشی بآین‌تر، به خوانندگان این فصلنامه تقدیم می‌دارم.

منابع

۱. ابوالفتوح رازی. (۱۳۷۵). تفسیر ابوالفتوح. به کوشش و تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمدهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲. ابن منظور. (بی‌تا). لسان العرب. اعتنی بتصحيحها: امين محمد عبدالوهاب و محمد الصادق العبيدي. الطبعه الثانيه. ج ۲. بيروت: داراحياء التراث العربي.
۳. استعلامی، محمد. (۱۳۸۲). درس حافظ. تهران: سخن.
۴. انوری ایبوردی. (۱۳۷۲). دیوان انوری. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. ج ۲. ج ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
۵. اوحدی مراغی. (۱۳۷۵). دیوان اوحدی. به کوشش سعید نفیسی. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
۶. البیهقی، ابوجعفر. (۱۳۷۵). تاج المصادر. تصحیح و تحشیه و تعلیق دکتر هادی عالم‌زاده. ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. جاوید، هاشم. (۱۳۷۷). حافظ جاوید. ج ۲. تهران: فرزاد.
۸. حافظ شیرازی. (۱۳۵۶). دیوان حافظ. به اهتمام دکتر یحیی قریب. تهران: صفی‌علیشاه.
۹. حافظ شیرازی. (۱۳۵۶). دیوان حافظ. به تصحیح دکتر رشید عبوسی و دکتر اکبر بهروز. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۱۰. حافظ شیرازی. (۱۳۶۲). دیوان حافظ. به تصحیح و توضیح پرویز نائل خانلری (ج ۲). ج ۲. تهران: خوارزمی.
۱۱. حافظ شیرازی. (۱۳۶۹). دیوان حافظ. (چاپ عکسی نسخه مورخ ۸۲۷) به اهتمام شمس‌الدین خلخالی.
۱۲. حافظ شیرازی. (۱۳۷۲). دیوان حافظ. تصحیح محمدرضا جلالی نائینی و نورانی وصال. تهران: سخن و نقره.
۱۳. حافظ شیرازی. (۱۳۷۲). دیوان حافظ. به اهتمام سید ابوالقاسم انجوی شیرازی. ج ۸. تهران: جاویدان.
۱۴. حافظ شیرازی. (۱۳۷۴). دیوان حافظ. به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی. به اهتمام ع جریزه‌دار. ج ۵. تهران: اساطیر.
۱۵. حافظ شیرازی. (۱۳۷۵). دیوان حافظ. به کوشش خلیل خطیب رهبر. ج ۱۷. تهران: صفی‌علیشاه.
۱۶. حافظ شیرازی. (۱۳۷۶). دیوان حافظ. تدوین و تصحیح رشید عبوسی. (ج ۲). تهران: صدوق.

۱۷. حافظ شیرازی. (۱۳۷۷). دیوان حافظ. تدوین سلیم نیساری (ج ۲). تهران: سینانگار.
۱۸. حافظ شیرازی. (۱۳۷۷). دیوان حافظ به سعی سایه. ج ۷. تهران: کارنامه.
۱۹. حافظ شیرازی. (۱۳۷۹). دیوان حافظ. به اهتمام احمد مجاهد. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. حافظ شیرازی. (۱۳۸۲). دیوان حافظ. تصحیح ابوالقاسم انجوی شیرازی. زیر نظر مهدی پرهام. تهران: شهاب ناقد.
۲۱. حافظ شیرازی. (۱۳۸۵). دیوان حافظ. تدوین و تصحیح رشید عیوضی. ج ۲. با ویرایش جدید. تهران: امیرکبیر.
۲۲. حافظ شیرازی. (۱۳۷۸). دیوان کهنه حافظ. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
۲۳. خواجهی کرمانی. (۱۳۷۴). دیوان خواجهی کرمانی. به اهتمام احمد سهیلی خوانساری. ج ۳. تهران: پازنگ.
۲۴. رکن، محمود. (۱۳۷۵). لطف سخن حافظ. تهران: فؤاد.
۲۵. الزمخشری، جارالله. (۱۳۹۹ق). اساس البلاغه. بیروت: دارصادر.
۲۶. الزمخشری، جارالله. (۱۴۲۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل. ضبط و توثیق: ابی عبدالله الدانی بن منیر آل زهوی. الطبعة الاولى. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۷. زوزنی، قاضی ابوعبدالله. (۱۳۷۴). المصادر. به اهتمام تقی بیفش. ج ۲. تهران: البرز.
۲۸. سنائی غزنوی. (۱۳۷۷). حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه. تصحیح مدرس رضوی. ج ۵. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. سنائی غزنوی. (بی تا). دیوان سنائی. به سعی و اهتمام مدرس رضوی. ج ۴. تهران: سنائی.
۳۰. سودی بستونی، محمد. (۱۳۷۸). شرح سودی بر حافظ. ترجمه دکتر عصمت ستارزاده. ج ۵. (چاپ اول سریر). تهران: سریر.
۳۱. صائب تبریزی. (۱۳۷۳). دیوان صائب تبریزی. ج ۴. به کوشش محمد قهرمان. تهران: علمی و فرهنگی.
۳۲. الفراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۵ه.ق). ترتیب کتاب العین. تحقیق الدكتور مهدی المخزومی و الدكتور ابراهیم السامرائی. تصحیح الاستاذ اسعد الطیب. ج ۳. الطبعة الثانية. قم: اسوه.
۳۳. فردوسی توسی. (۱۳۶۸). شاهنامه. دفتر یکم. به کوشش جلال خالقی مطلق. با مقدمه احسان یارشاطر. تهران: روزبهان.
۳۴. فرزاد، مسعود. (۱۳۵۳). اصالت و توالی ابیات در غزل‌های حافظ. ج ۲. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۳۵. الفیروزآبادی، مجدالدین. (۱۴۲۲ه.ق). القاموس المحیط. اعداد و تقدیم: محمد عبدالرحمن المرعشی. الطبعة الاولى. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. محتشم کاشانی. (۱۳۷۹). دیوان محتشم کاشانی. با تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند. تهران: نگاه.
۳۷. مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۳). کلیات شمس. با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر. ج ۳. تهران: امیرکبیر.
۳۸. نیکنام، مهرداد. (۱۳۸۱). کتاب‌شناسی حافظ. ویرایش دوم. شیراز: مرکز حافظ‌شناسی.